



در مکتب اهل بیت (ع) (۲)

نظریهٔ عدالت صحابه

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات

مترجم:

گروهی از مترجمان

مجمع جهانی اهل بیت (ع)

سرشناسه	: موسوی، عبدالرحیم، ۱۳۴۲ -
عنوان قراردادی	: نظریه عداله الصحابه. فارسی.
عنوان و نام پدید آور	: نظریه عدالت صحابه / تألیف گروه پژوهش، عبدالرحیم موسوی؛ ترجمه گروهی از مترجمان؛ تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی.
مشخصات نشر	: قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۳۵ ق. = ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۵۴ ص.
فروست:	: در مکتب اهل بیت علیهم السلام؛ ۲
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۲-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیر نویس.
موضوع	: صحابه
موضوع	: صحابه - احادیث
موضوع	: عدالت (حدیث)
شناسه افزوده	: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام. معاونت فرهنگی. اداره ترجمه
رده بندی کنگره	: ۱۴۹۳ - ۹۰۴۱ ص ۸ م / BP ۸۹/۲
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۵۲



■ در مکتب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲

● نظریه عدالت صحابه.

تألیف: گروه پژوهش، عبدالرحیم موسوی.

ترجمه: گروهی از مترجمان.

تهیه کننده: اداره ترجمه معاونت فرهنگی.

ویراستاری: امر... نصیری .

صفحه آرایی و تصحیح: قاسم البغدادی.

ناشر: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.

نوبت چاپ: اول .

چاپخانه: نگارش .

سال نشر: ۱۳۹۳ هـ. ش. / ۱۴۳۵ هـ. ق .

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۲-۸

شابک دوره‌ای: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۰-۴

حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است.

آدرس: قم، بلوار جمهوری، نبش کوی ۶، تلفن: ۱۰ - ۳۲۱۳۱۳۰۶ - ۰۲۵

تهران، بلوار کشاورز، مقابل پارک لاله، شماره ۲۴۸، تلفن: ۸۸۹۵۰۸۲۷ - ۰۲۱

www.ahl-ul-bayt.org

www.abwacd.ir

info@ahl-ul-bayt.org

www.abna.com

أَهْلَ الْبَيْتِ

فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ

لِنَمَائِرِ كَلِمَاتِهِ

لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الْجِسْمَ أَهْلَ الْبَيْتِ

وَيُطَهِّرَ كُمْ قَطْرَتَيْ سَمَرٍ

سُورَةُ الْأَنْجُورِ / آيَةٌ : ٣٣

خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت
دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

أَهْلَ الْبَيْتِ
فِي السَّيِّئَةِ النَّبَوِيَّةِ
إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ
كِتَابَ اللَّهِ وَعَجْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي
مَا إِنْ تَمَسَّكُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا

«الفتح مجاهد والسَّيِّئَةُ»

همانا من در میان شما دو شیء گرانبها را باقی می گذارم؛
که تا وقتی به آنها چنگ زنید، هرگز پس از من گمراه نشوید.

فهرست مطالب

سخن مجمع.....	۹
مقدمه.....	۱۳
نظریه عدالت صحابه در مکتب اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۲۱
معنای لغوی مصاحبت و بیان قرآنی آن.....	۲۲
صحابه راستین.....	۲۴
صحابه راستین در گفتار امام علی <small>علیه السلام</small>	۲۶
دعای امام علی بن الحسین <small>علیه السلام</small> برای صحابه راستین.....	۲۸
عبد الله بن عباس و توصیف صحابه راستین.....	۲۹
نظریه عدالت همه صحابه.....	۲۹
دلایل نظریه عدالت همه صحابه.....	۳۰
بررسی نظریه عدالت صحابه.....	۳۲
الف - موضع قرآن کریم در برابر عدالت همه صحابه.....	۳۲
ب - موضع پیامبر گرامی <small>صلی الله علیه و آله</small> در برابر عدالت همه صحابه.....	۳۶
۱ - روایات ستایش گر.....	۳۷
۲ - روایات نکوهشگر.....	۳۷
ج - موضع تاریخ در برابر عدالت همه صحابه.....	۴۱
چند نمونه برای تکمیل بحث.....	۴۲
عوامل گسترش نظریه [عدالت همه صحابه].....	۴۹
نظر شیعه در معنای مصاحبت و صحابی.....	۵۰
چکیده بحث.....	۵۳

سخن مجمع

«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام]... معرفی مکتب اهل بیت علیهم السلام است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت علیهم السلام معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۲۸ / ۵ / ۱۳۸۶)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که تبلور اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: « فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبِعُونَا » [شیخ صدوق رحمته الله، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار علیهم السلام و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی قدس سره و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را

برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت علیهم السلام گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام و حمایت از پیروان اهل بیت علیهم السلام در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت علیهم السلام در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت علیهم السلام و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی‌ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و

ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره‌ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می‌کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه‌ی معارف اهل بیت علیهم‌السلام در سراسر جهان، از دیدگاه‌ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته‌گان، صاحب نظران و پژوهش‌گران ارجمند استقبال می‌کند تا زمینه‌های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت علیهم‌السلام فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت

مهدی عجل‌الله‌فرجه.

نجف لک زایی
معاون امور فرهنگی

مقدمه

وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلم و همیشگی دین مقدس اسلام نیز بوده و هست و تحقق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقَةٍ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مَمَّنْ بَقِيَ»^(۱).

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی

خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایه وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین

می فرماید:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾^(۲).

۱ - نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶.

۲ - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لبه پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله ﷺ می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً»^(۱).

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق عليه السلام می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده»^(۲).

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضاء خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خونریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیسه دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

۱ - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱/۱۴۱.

۲ - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و آتھام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابر این بر مسؤلان و رهبران امت و برآحاد جامعه اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت علیهم السلام، بر خود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت علیهم السلام و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجوییم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب همه مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الأنبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؛

- ما که بزرگ ترین موفقیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزی و اعلان و تحقق کلمه توحید «لا إله إلا الله» می دانیم؛
- ما که خطبه های غرآی توحیدی مولی الموحدین امیر المؤمنین علیه السلام را
- شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؛

– ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر ﷺ را همانند دعای کمیل از امام علی علیه السلام، دعای عرفه از امام حسین علیه السلام و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاده علیه السلام و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَرَكَ...
مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...»^(۱)

– ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با همه این اوصاف، به صورت جاهلانه و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم كيف يحكمون)!!!

۲ – اعتقاد به امام مهدی علیه السلام و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی – روی هم رفته – به آن اعتراف دارند تا جایی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند.^(۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطبه علمای اهل بیت علیهم السلام و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

۱ – بحار الأنوار: ۲۲۶ / ۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲ – همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صباي حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابوالعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحنة حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صباغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عباس قرمانی حنفی، ابن عامر شبراوی، ساباط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزوی شافعی مصری، زر کلی سلفی، یونس سامرای، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان... .

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی علیه السلام و مهدویت - که در کتاب و سنت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد- چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصاره انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا^(۱) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود! اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

۱ - بالآخره، معلوم نشد این سرداب کجاست!

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه نمایی در زمینه اعتقادات و معارف حقّ اهل بیت علیهم السلام توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آكلة الاکباد و آنان که گوینده «لا اله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه گونه خوش خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی رحمی، قطعه قطعه و به آتش می کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم افزار، توسط این مجموعه فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می باشند، **فإلی الله المشتکی.**

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت علیهم السلام مکلفیم، بر خود واجب می دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی زاری خود را از این تفرقه افکنان و جنگ افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.

مجموعه «فی رحاب اهل البیت علیهم السلام»^(۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهنیت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین^(۲)، طراحی و سپس مورد تنظیم و تدوین قرار گرفت. بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان و وحدت مسلمین، قرار گرفت. شخصیت‌های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه‌های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه‌ی این مجموعه را به زبان‌های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجمه فارسی آن توسط اداره ترجمه

-
- ۱ - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.
- ۲ - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته‌اند. متذکر می‌شویم:
- ۱ - ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه.
- ۲ - سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه.
- ۳ - ۵ - سید عبدالرحیم موسوی رحمته‌الله، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه.
- ۶ - ۹ - شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله.
- ۱۰ - ۱۳ - سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور.
- ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمدهادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده‌ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می‌شود.
امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیة الله الأعظم علیه السلام قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

نظریه عدالت صحابه در مکتب اهل بیت علیهم السلام

مراد از «نظریه عدالت صحابه» این است که هر کس، همنشین پیامبر صلی الله علیه و آله شد - اگرچه برای مدت کوتاهی هم باشد - عادل است! و انتقاد از او، یا پست شمردن کردارهای او و یا تخطئه وی جایز نیست! بلکه پیروی از گفتار و کردار او رواست و برای دیگران، حجت است!

این نظریه در موقعیت سیاسی خاصی و برای آنان اهداف سیاسی ویژه‌ای از جمله تقویت حکومت امویان و توجیه تصرفات آنان و رنگ و روی شرعی دادن به آن تصرفات، به وجود آمد.

برخی از افراطیان، این نظریه را به عهده گرفته و به نشر آن در میان امت اسلامی همت گماشتند و آن را مجوزی برای رد منزلت و موقعیت اهل بیت علیهم السلام قرار دادند؛ اهل بیتی که قرآن، به عصمت آنان تصریح کرده می‌فرماید: «همانا خداوند رجس و پلیدی را از شما اهل بیت دور کرده و شما را کاملاً پاک و مطهر قرار داده است».^(۱)

به رغم این که مدعیان این نظریه سعی در گردآوری ادله‌ای برای تقویت آن و دادن وجهه‌ای علمی به آن نموده‌اند، اما گروه زیادی از

علمای مسلمان، این نظریه را رد کرده‌اند و ادله آن را مورد انتقاد قرار داده و به نتایج آن پایبند نشده‌اند؛ همچنان که مدعیان این نظریه نیز به نتایج آن پایبند نبوده‌اند؛ زیرا آنان کردار خلفا و حکام را نسبت به برخی از صحابه که حکومت آنان را قبول نداشتند، توجیه کرده‌اند.

برای آگاهی از رأی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام درباره «نظریه عدالت صحابه» و میزان درستی آن، به مطالب زیر خواهیم پرداخت:

- ۱- معنای لغوی مصاحبت و بیان قرآنی آن.
- ۲- ذکر نصوص و احادیثی از اهل بیت علیهم‌السلام.
- ۳- بیان ادله این نظریه و بررسی آن با استناد به قرآن و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.
- ۴- عوامل گسترش این نظریه.

معنای لغوی مصاحبت و بیان قرآنی آن

راغب اصفهانی می‌گوید:

«صاحب، همان همراه و ملازم می‌باشد... و هیچ فرقی نیست میان این که مصاحبت و همراهی او به جسم و ظاهر باشد و یا به توجه و قصد.»

به مالک شیء گفته می‌شود: او صاحب آن است. همین‌طور به کسی که مالک دخل و تصرف در آن شیء است، صاحب آن

گفته می شود. مصاحبت و همراهی، وسیع تر از اجتماع است؛ زیرا مصاحبت، ماندن طولانی را می طلبد، پس هر مصاحبتی، اجتماع است، اما هر اجتماعی مصاحبت نیست»^(۱).

در قرآن کریم، در ضمن واژگان هم معنا تائیدی برای آنچه فرهنگهای لغت ذکر کرده اند، آمده است. و آن معاشرت و ملازمتی است که با اجتماع و دیدار و ماندن، تحقق می یابد، صرف نظر از وحدت اعتقاد یا وحدت رفتار، و قرآن کریم آن را در خصوص «معاشرت» اطلاق کرده است. و جوینده کلمات: تصاحبی، صاحبهما، صاحبه، صاحبته، اصحاب و اصحابهم، در قرآن کریم خواهد یافت که ۹۷ بار، به همین معنای مطلق، ذکر شده است. پس هیچ گونه تفاوتی میان معنای لغوی - که لغت شناسان آن را ذکر کرده اند. و معنای «مصاحبت» در قرآن کریم وجود ندارد. در سنت نبوی نیز واژه «صحابی» به هر کس از مسلمانان که هم نشین و مصاحب پیامبر صلی الله علیه و آله بوده اطلاق شده است؛ خواه واقعاً و حقیقتاً به آن حضرت مؤمن باشد و خواه به ظاهر. الفاظ و روایاتی که برای «صحابی» خواهیم آورد، شامل مسلمان مؤمن و مسلمان منافق می باشد.

۱- مفردات الفاظ قرآن کریم / راغب اصفهانی: ۲۷۵؛ صحاح جوهری: ۱۶۲/۱؛ ترتیب کتاب العین فراهیدی: ۴۴۰.

هنگامی که عمر بن خطاب از رسول خدا ﷺ خواست که عبدالله بن ابی بن ای سلول (منافق مشهور) را به قتل برساند، پیامبر ﷺ فرمود: ای عمر! چگونه خواهد بود آنگاه که مردم بگویند: محمد اصحابش را به قتل می‌رساند؟^(۱)

و آنگاه که فرزند عبدالله بن ابی، از پیامبر خدا ﷺ اجازه خواست تا به کشتن پدرش اقدام کند، به او فرمود: «به او دوستی می‌ورزیم و تا وقتی که با ما باشد، همنشینی‌اش را نیکو می‌داریم».^(۲)

خلاصه این که: سنت نبوی لفظ «صحابی» را به طور وسیع به کار می‌برد تا جایی که شامل کسی می‌شود که به دورویی و هرزگی مشهور است مانند عبدالله بن ابی بن سلول، چه رسد به اطلاق لفظ «صحابی» به کسانی که نفاقشان پوشیده بود؛ زیرا پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «در میان اصحاب من، منافق وجود دارد».^(۳)

صحابه راستین

صحابه پیامبر اکرم ﷺ، مسلمانان نخستینی‌اند که پیامبر ﷺ را دیده و به کرامت همنشینی با او مشرف شده باشند و قسمت مهمی از سختیهای

۱- سیره نبوی، ابن هشام: ۳/۳۰۳؛ سیره ابن کثیر: ۳/۲۹۹؛ اسباب نزول، واحدی: ۴۵۲.

۲- سیره نبوی، ابن هشام: ۳/۵-۲؛ سیره نبوی، ابن کثیر: ۳/۳۰۱.

۳- مسند احمد: ۵/۴۰؛ تفسیر قرآن عظیم، ابن کثیر: ۲/۳۹۹.

نشر و دعوت به اسلام را تحمل کرده باشند؛ همان گونه که گروه زیادی از آنان، جان و مال خود را به خاطر ایمان به رسالت و پیامبر صلی الله علیه و آله بذل کردند تا این که اسلام، سرزمینهای را فراگرفت، پس اگر درخشش شمشیرها و نیروی بازوان آنان و پایداریشان نبود، هیچ ستونی از دین استوار نمی شد. اندیشه گر در قرآن کریم و سنت گرامی، خواهد یافت که در قرآن و سنت، ستایش و بزرگداشت زیادی از صحابه راستین شده است. خداوند تعالی فرمود است:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾^(۱).

«محمد فرستاده خداوند است و یاران و همراهانش بر کافران، بسیار دل سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند. آنان را در حال رکوع و سجود نماز، بسیار بنگری که فضل و رحمت خدا و خشنودی او را به دعا می طلبند، بر رخسارشان از اثر سجده نشانهای نورانیت پدیدار است. این وصف حال آنان در کتاب تورات و انجیل است که مثل حالشان به دانه ای ماند که چون نخست سر از خاک بردارد، شاخه‌ای

نازک و ضعیف باشد، پس از آن، قوت یابد تا آن که قوی گردد و بر ساق خود راست و محکم بایستد که دهقانان در تماشای آن حیران مانند تا کافران عالم را از قدرت خود به خشم آرند، خدا وعده فرموده که هر کس از آنان ثابت ایمان و نیکوکار شود، گناهانش ببخشد و اجر عظیم عطا کند».

آنان بودند که خدا و پیامبر ﷺ را یاری داده دین او را زنده کرده ستونهای دولت اسلامی را برافراشتند و جاهلیت را از بین بردند.

آیاتی وجود دارد که به مدح صحابه می پردازد و آنان را بسیار ستایش می کند. هر کس آیاتی را که در مدح مهاجران و انصار و پیروان آنان بخواند، بر منزلت و بلندی مرتبه آنان غبطه خواهد خورد و هر کس به آیاتی که در حق صحابه ای که زیر درخت، با پیامبر بیعت کردند، گوش فرادهد، دلش از شوق برای آن گروه با ایمان که با صداقت بر پیمان خود با خدا استوار ماندند، خواهد لرزید.

صحابه راستین در گفتار امام علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام فرموده است:

«... با رسول خدا ﷺ پدران، فرزندان، برادران و عموهای مان را می کشتیم و به ما، جز ایمان و تسلیم و سیر در راه و شکیبایی بر فشار درد و در تلاش در جنگ با دشمن، چیزی نمی افزود، پس چون

خداوند، راستی مان را دید، خواری را بر دشمن مان فرود آورد و پیروزی را نصیب ما کرد تا این که اسلام با قدرت و نیروی تمام مستقر شد و در سرزمینهای خویش سکنی گزید.

قسم به جانم! اگر آن گونه که شما هستید، می بودیم، هیچ ستونی از دین برافراشته نمی شد و هیچ نهالی از ایمان سبز نمی گشت.^(۱)

و نیز درحالی که آنان را توصیف می کرد و جایگاه و منزلت آنان را یاد آوری می نمود و بر فقدان آنان افسوس می خورد، فرمود:

«من اصحاب محمد صلی الله علیه و آله را دیدم، کسی از شما را شبیه به آنان نمی بینم؛ آنان صبح را ژولیده و خاک آلود آغاز می کردند در حالی که شب را با سجده و قیام سپری نموده بودند؛ پیشانی و گونه هایشان را به نوبت بر خاک می گذاشتند و گویی برپاره آتش می ایستادند آنگاه که روز قیامت و هنگامه باز گشت را به یاد می آوردند.»^(۲)

همچنین در حالی که از شوق و عشق به آنان می سوخت، فرمود:

«کجایند برادرانم که به راه راست و حق رفتند؟ کجاست عمار؟ کجاست ابن التیهان؟ کجاست ذوالشهادتین؟ کجایند همانند آنان از برادرانشان که قرآن را خواندند و به آن عمل نموده و آن را حفظ کردند، در عمل واجب، اندیشیدند و آن را به جای آوردند. سنت را زنده

۱- نهج البلاغه (با تحقیق صبحی صالح) ۹۲ - ۹۱.

۲- نهج البلاغه (با تحقیق صبحی صالح): ۱۴۳ - ۹۷.

کردند و نوآوری و بدعت را از بین بردند. به جهاد دعوت شدند و آن را اجابت کردند و به پیشوا و رهبر اطمینان کردند و از او پیروی نمودند»^(۱).

دعای امام علی بن الحسین علیه السلام برای صحابه راستین

امام زین العابدین علیه السلام در حالی که برای اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله دعا می کرد، فرمود:

«خدایا! و به ویژه یاران محمد صلی الله علیه و آله، کسانی که صحبت و همنشینی با او را نیک داشتند و در راه یاری او به خوبی و با شجاعت تمام در میدان جنگ، جنگیدند و به او کمک کرده و در تأیید و تصدیق دعوت او، بر هم پیشی گرفتند و هنگامی که حجت و برهان رسالت خود را به آنان ابلاغ نمود، پذیرفتند و هنگام آشکار کردن کلمه خویش، جانها و فرزندان را ترک گفته در راه استوار سازی پیامبری او، با پدران و پسران، ستیز کردند و با او پیروز گشتند»^(۲).

۱- نهج البلاغه (با تحقیق صبحی صالح): ۲۶۴ - ۱۸۲.

۲- صحیفه سجادیه: ۴۵ - ۴۳.

عبد الله بن عباس و توصیف صحابه راستین

روزی معاویه از ابن عباس در مورد برخی از امور پرسید، سپس از منزلت صحابه سؤال کرد. ابن عباس گفت:

«آنان به تطبیق و تبلیغ دین برخاستند و مسلمانان را به جهد و اخلاص در دین، نصیحت می نمودند تا این که راههای آن، نیکوگشت و اسبابش قوی و نعمتهای خداوند، آشکار شد و دین او پا برجا و نشانه های آن واضح گشت و شرک را به وسیله آنان خوار و اساسش را از بین برد و نشانهایش را محو کرد و نام خداوند، بلند مرتبه گشت و کافران، پست و ذلیل گشتند.»^(۱)

نظریه عدالت همه صحابه

گفته اند:

«هر کسی که با پیامبر دیدار کرده در حالی که به او ایمان داشته، حتی اگر مدت زمان کوتاهی از روز باشد و بر دین اسلام بمیرد، صحابی است. و همه صحابه عادلند و انتقاد و عیبجویی، به آنان راه ندارد! و هر کس یکی از آنان را عیبجویی کند، از کافران به شمار می آید!!»^(۲)

۱ - مروج الذهب، مسعودی: ۳/ ۴۲۶ و ۴۲۵ و ۶۶.

۲ - الاصابه: ۱۱/۱.

این نظریه مستلزم آن است که هر صحابی هر چه روایت می‌کند، صحیح باشد و انتقاد هیچ صحابی را روا نمی‌دارد و همه آنان وارد بهشت می‌شوند، زیرا همه آنان مشمول این آیه هستند که می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ﴾^(۱)

«آنان که مورد لطف و نیکی ما واقع شده‌اند، از آتش جهنم بدور می‌باشند.»

این نظریه معتقد است: همه افراد طبقه نخست از امویان (مانند ابی سفیان و فرزندانش) و همه مروانیان (حتی رانده شده پیامبر خدا ﷺ) صحابیانی عادل می‌باشند!!

دلایل نظریه عدالت همه صحابه

اولاً: داعیه داران این نظریه به تعدادی از آیات استدلال کرده‌اند که از جمله آنها این آیه است:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ...﴾^(۲)

«شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها فرستاده شده‌اند.»

﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا...﴾^(۳)

۱- الاصابه: ۱۰/۱؛ جرح و تعدیل رازی: ۹-۷.

۲- آل عمران (۳) / ۱۱۰.

۳- بقره (۲) / ۱۴۳.

«همان گونه (که قبله شما یک قبله میانه است) شما را نیز امت میانه ای قرار دادیم».

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾^(۱).

«خداوند از مؤمنان خشنود گشت، در آن هنگام که با تو زیر آن درخت پیمان بستند و خداوند از آنچه در دل آنان بود، آگاه بود».

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ...﴾^{(۲)(۳)}.

«و پیشینیان نخستین، از مهاجران و انصار و کسانی که در نیکی آنان را پیروی کردند، خداوند از آنان خشنود گشت و آنان نیز از خداوند».

ثانیاً: به سنت نبوی استدلال کرده اند که در چندین روایت تصریح به عدالت تمام صحابه شده است و هیچ یک از آنان را مستثنا نمی کند. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود:

«اصحاب من همچون ستارگانند، به هر کدام از آنان اقتدا کردید، هدایت می شوید؛ بهترین قرن‌ها قرن من است، سپس بعد از آن، سپس

۱ - فتح (۴۸) / ۱۸.

۲ - توبه (۱۹) / ۱۰۰.

۳ - الاصابه فی تمییز الصحابه: ۱ / ۱۰ - ۹؛ تفسیر ابن کثیر: ۱ / ۳۹۹؛ الدر المنثور، سیوطی: ۲ / ۲۹۳.

بعد از آن. احترام مرا در احترام اصحابم حفظ نمایید. اصحاب مرا دشنام ندهید.»^(۱)

بررسی نظریه عدالت صحابه

الف - موضع قرآن کریم در برابر عدالت همه صحابه

روشن است اندیشه‌ای که «نظریه عدالت همه صحابه» را مطرح می‌کند، با ظاهر سخن قرآن، هماهنگ نیست؛ زیرا صحابه در قرآن، چند گروه‌اند؛ بنابر این، یک گروه دانستن آنان به عنوان این که همه عادلند، ممکن نیست؛ زیرا برخی از آنان مسلمانان نخستین‌اند، عده‌ای از بیعت کنندگان زیر درخت، گروهی از مهاجران و برخی از اصحاب فتح، قرآن در برابر این تقسیم بندی، از گروه‌های دیگری مانند منافقان^(۲) و نیز منافقانی که پنهان بودند و پیامبر ﷺ آنان را نمی‌شناخت^(۳) و نیز افراد سست ایمان و بیمار دل؛^(۴) گوش دهندگان به اهل فتنه؛^(۵) کسانی که کارهای نیک و بد را با

۱ - سنن ترمذی: ۲/۲۳۰؛ اتحاف الساده المتقین، زبیدی: ۲/۲۲۳؛ تلخیص الحییر، ابن حجر: ۴/۲۰۴؛ البدایه والنهایه، ابن کثیر: ۶/۲۸۶؛ تفسیر ابن کثیر: ۷/۴۹۳؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی: ۲/۵۳.

۲ - منافقون (۶۳): ۵۳، ۱۰.

۳ - توبه (۹): ۱۰۱.

۴ - احزاب (۳۲): ۱۱.

۵ - توبه (۹): ۴۷ - ۴۵.

یکدیگر آمیختند^(۱)؛ کسانی که به سوی ارتداد می‌روند هنگامی که پیشامدها بر آنان بگردد^(۲)؛ افراد فاسقی که نه گفتارشان مورد تصدیق است و نه کردارشان^(۳)؛ مسلمانانی که ایمان در دل آنان داخل نشده است^(۴)؛ کسانی که به اسلام، تظاهر می‌کنند و به علت سستی یقین‌شان، با پرداخت سهمی از صدقه به آنان، خو می‌گیرند (و دوست می‌شوند)^(۵) «و فرار کنندگان در برابر کافران»^(۶).

پس اینان صحابه هستند با این که مواضع آنان مختلف و جدا از یکدیگر بود، ولی قرآن در برخی موارد، آنان را اصحاب رسول صلی الله علیه و آله به شمار آورده است.

در بعضی مواقع، قرآن به توبیخ و تهدید آنان پرداخته است. همچنین از آنان کسانی‌اند که رسول صلی الله علیه و آله و مردم را در بسیاری از مناسبات، از آنان بر حذر داشته است. خداوند می‌فرماید:

۱ - توبه (۹): ۱۰۲.

۲ - آل عمران (۳): ۱۵۴.

۳ - حجرات (۴۹)/ ۶؛ سجده (۳۲): ۱۸.

۴ - حجرات (۴۹): ۱۴.

۵ - توبه (۹): ۶۰.

۶ - انفال (۸)/ ۱۶ - ۱۵.

﴿أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ﴾^(۱)

«آیا کسی که مؤمن است، مانند کسی است که فاسق است؛ آنان برابر نیستند.»

کتب تفسیر و تاریخ گواه بر آن است که مؤمن، «امام علی عَلَيْهِ السَّلَام» و فاسق، «ولید بن عقبه» است که در زمان عثمان، والی کوفه و در زمان معاویه و یزید، والی مدینه شد.^(۲) و نیز خداوند می فرماید:

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ...﴾^(۳)

«جه کسی ستمکارتر است از آن کس که دروغ به خدا می بندد، یا می گوید: به من وحی شده است، در حالی که به او چیزی وحی نشده است.»

این آیه در باره «عبدالله بن ابی سرح» نازل شده که بعدها والی عثمان بر مصر شد و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خون او را مباح کرده بود حتی اگر به پرده‌های کعبه آویخته باشد، اما عثمان در فتح مکه او را خدمت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورد و برای او طلب امان کرد!^(۴) و نیز فرماید:

۱ - سجده (۳۲): ۱۸.

۲ - شواهد التنزیل، حاکم حسکانی: ح ۶۲۶، ۶۱۰، ۴۵۳، ۴۴۰؛ سیره حلبیه: ۸۵/۲.

۳ - انعام (۶): ۹۳.

۴ - سیره حلبیه: ۱۸/۳.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 أَنَّا قَاتَلْنَا إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ
 الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ * إِلَّا تَنْفَرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا
 أَلِيمًا وَيَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^(۱).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا هنگامی که به شما گفته می شود: به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید، بر زمین سنگینی می کنید (و سستی به خرج می دهید)؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده اید؟! با این که متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست. اگر (به سوی میدان جهاد) حرکت نکنید، (خداوند) شما را مجازات دردناکی می کند و گروه دیگری غیر از شما را به جای شما قرار می دهد و هیچ زبانی به او نمی رسانید و خداوند بر هر چیزی تواناست».

آیه شریفه بیانگر این است که برخی از صحابه از جهاد، رویگردانی کرده و به حیات دنیا مایل شدند - به رغم آگاه‌یشان از این که دنیا متاعی ناچیز است - تا این که شایسته توییخ خداوند و تهدید به عذاب دردناک و جانشینی مؤمنان راستین به جای آنان شدند.

همان گونه که تهدید به جانشینی، در تعدادی از آیات آمده است که دلالتی آشکار دارد بر این که آنان - چندین بار - از جهاد، رویگردان شده‌اند.

خداوند تعالی فرموده است:

﴿... وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ﴾^(۱)
 «و هر گاه سرپیچی کنید، خداوند گروه دیگری را به جای شما می‌آورد، پس آنان مانند شما نخواهند بود (و سخاوتمندانه در راه خدا انفاق می‌کنند)».

این آیه و آیات دیگر به رفتارهای نادرستی که برخی از صحابه آن را برگزیده و به سبب آن شایسته سرزنش شده‌اند، اشاره می‌کند؛ همچنان که به ناتوانی «نظریه عدالت همه صحابه!» در هماهنگی با مفهوم قرآنی، تأکید می‌کند.

ب - موضع پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در برابر عدالت همه صحابه

اگر خواسته باشیم نظر پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! جویا شویم، خواهیم دید که اصطلاح «صحابی» در مورد راستگو و دروغگوی آنان، به کار برده شده است؛ روایاتی وارد شده که آنان را می‌ستاید و در همان حال، روایاتی دیگر وارد شده که برخی از آنان را نکوهش می‌کند.

۱ - روایات ستایش گر

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است:

خدایا! هجرت یارانم را به پایان رسان و آنان را به جاهلیت
برنگردان. ^(۱)

«خدایا! اگر این گروه، امروز نابود شوند، پرستش نخواهی شد و
استوارترین شما بر صراط، دوستدارترین شما نسبت به اهل بیت و
اصحاب من است.» ^(۲)

۲ - روایات نکوهشگر

از پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده است:

«به من دروغ نگوئید، هر که به من دروغ بگوید، به آتش افکنده
خواهد شد.» ^(۳)

و نیز فرمود:

«من نمی ترسم بر شما که پس از من شرک ورزید، اما می ترسم
که برای دنیا رقابت کنید، پس بکشید و هلاک شوید همان گونه
که پیشینیان شما هلاک شدند.» ^(۴)

۱ - صحیح بخاری: ۵ / ۸۱ - ۸۷ .

۲ - سیره نبوی، ابن هشام: ۲ / ۲۷۹ .

۳ - صحیح بخاری: ۱ / ۳۸؛ صحیح مسلم: ۱ / ۹ .

۴ - صحیح مسلم: ۴ / ۱۷۹۶ .

همچنین فرمود:

«من بر حوض از شما سبقت جسته و با مردانی ستیز (واحتجاج) می کنم و بر آنان پیروز می شوم و می گویم: خداوندا! یارانم، یارانم! پس به من گفته می شود: تو نمی دانی پس از تو چه کردند.»^(۱)

پس، از صحابه کسانی بودند که به رسول خدا ﷺ دروغ می گفتند و کسانی که به خاطر دنیا خون می ریختند و از آنان نیز کسانی بودند که پس از پیامبر ﷺ مرتد شدند، پس چگونه اینان «عادل» خواهند بود؟! پیامبر خدا ﷺ نیز خبر داده است که آنان نسبت به حکومت، حرص می ورزند، آنگاه که فرمود:

«شما نسبت به حکومت، حرص می ورزید (در حالی که آن) تبدیل به پشیمانی و حسرت در روز قیامت خواهد شد، پس چه بد است این شیرده (و حکومتی که عده ای مانند زن شیرده گرد او جمع می شوند) و چه نیکو است بریده شدن از او (و کسی که از آن دور و بریده شود).»^(۲)

طبیعی است که ظاهر این نظریه توجیه کردارها و تلاشهای مخالف دستورات خداوند تعالی است که برخی از صحابه مرتکب آن شده بودند. دیدگاه یاد شده با عناصر گمراهی که سلطنت را بعداً به دست گرفتند، همانند معتمدان درستکار رفتار کرده که دستور خداوند از آنان گرفته می شود

۱ - مسند احمد: ۳۵/۲.

۲ - مسند احمد: ۱۹۹/۳.

و ولایت آنان پذیرفته می‌گردد. این توجیه به رغم خونریزی ظالمانه برخی از آنان، یا میگساری و خوردن بیت المال مسلمین به وسیله آنان است. به علاوه، روایاتی که جهت اثبات نظریه عدالت صحابه به آنها استدلال شده اکثراً دارای ضعف سند هستند؛ مثلاً سند روایت: «اصحاب من مانند ستارگانند»^(۱) ضعیف می‌باشد و اسفراینی، ابو حیان اندلسی و شاگردش تاج الدین، روایت را دروغ و مجعول شمرده‌اند.^(۲)

اما روایت: «خداوند، مرا و یاران مرا برگزیده و آنان را خویشاوند، داماد و یاریگران من قرار داده است و در آخر زمان، قومی خواهد آمد که آنان را سرزنش خواهند کرد، از آنان زن نگیرید، به آنان زن ندهید، با آنان وصلت نکنید، به آنان نیونید، همانا که بر آنان نفرین روا داشته شده است»^(۳).

در سند این روایت، «بشیر بن عبدالله» قرار دارد که شناخته شده نیست بلکه ابن حیان گفته است.

«حدیث باطل است و هیچ اصلی ندارد»^(۴)
دکتر عطیه بن عتیق زهرانی هم گفته است:

۱ - میزان الاعتدال، ذهبی: ۴۱۳ / ۱.

۲ - التبصر فی الدین: ۱۷۹.

۳ - صحیح مسلم: ۴ / ۱۸۷۳؛ سنن ترمذی: ۵ / ۶۶۲؛ مسند احمد: ۳ / ۱۴.

۴ - مخالفة الصحابی للحديث النبوی / عبد الکریم النمله: ۸۳.

«این حدیث، صحت ندارد».^(۱)

اقا روایت: «بهترین قرن‌ها، قرن من است»، سندش کامل نیست؛ چنان که برخی از بزرگان - از جمله صاحب کفایه - بر این امر گواهی داده‌اند.^(۲)

اقا دلالت روایت بر این که رویدادها و اتفاقاتی که رخ داده در قرن بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پذیرفته و درست بوده است، اگر چه در آن حوادثی رخ داد که باعث هتک حرمت اسلام شد؛ مانند شهادت امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام، شهادت دو نوه رسول خدا صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السلام، اسارت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در واقعه دردناک کربلا و یا مباح شمردن اموال و ناموس و ریختن خون مردم مدینه النبوی در «واقعه حره». که در آن، آبروی مسلمانان از بین رفت و شکم زنان آبستن پاره شد و در آن صحابه و تابعین بی گناه به قتل رسیدند^(۳)؛ ولی هیچ صاحب عقلی - تا چه رسد به فاضلی - آن را نمی پذیرد، پس چگونه درست خواهد بود انتساب آن به پیامبر بزرگ؟!

۱ - السنه، ابی بکر خلال: ۱/ ۴۸۳.

۲ - الکفایه فی علم الدرایه: ۴۷.

۳ - تاریخ یعقوبی: ۲/ ۲۵۰؛ الکامل فی التاریخ: ۴/ ۱۱۹ - ۱۱۱؛ تعجیل المنفعه، عسقلانی: ۴۵۳، (شرح حال یزید بن معاویه).

ج - موضع تاریخ در برابر عدالت همه صحابه

تاریخ، بسیاری از گمراهیها و مخالفت‌های برخی از صحابه از اوامر خدا و پیامبر او را - چه در زمان حیات و چه پس از وفات - ثابت کرده است؛ مثلاً برخی از آنان را می‌یابیم که از جنگ احد گریخته و در جنگ خندق خانه نشینی را برگزیدند و با رسول خدا صلی الله علیه و آله مخالفت کردند.

همچنین در می‌یابیم اغلب مهاجران و انصار در مورد رفتن به جنگ با رومی‌ها به فرماندهی «اسامه بن زید» با امر رسول خدا صلی الله علیه و آله مخالفت کردند که در رأس آنان «ابو بکر، عمر، ابو عبیده» و دیگران بوده‌اند^(۱).

مورخان، رخدادهای تاسفباری را یاد کرده‌اند که از جانب برخی از صحابه - که بعداً حاکمان مؤمنان شدند - روی داده است. شروع آن با مجبور کردن مردم به بیعت به وسیله ضرب و تهدید و هجوم به خانه فاطمه علیها السلام دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همراه بود و در آخر، غضب حق و اموال مختص به او و نیز ارث و سهم نزدیکان، تا این که خشمگین بر آنان از دنیا رفت.

اقا تبعید «ابو ذر غفاری» و راندن او از شهر رسول خدا صلی الله علیه و آله به ربه، ضرب و شتم «عمار بن یاسر» و «عبد الله بن مسعود» - تا حدی که

استخوانهای وی شکست -، بر کنار کردن صحابه مخلص از منصبها و سرکار آوردن افراد فاسق، دشنام دادن به امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام و جنگ با او در جمل؛ صفین و نهروان، و به شهادت رساندن سرور جوانان اهل بهشت امام حسین علیه السلام^(۱) - و آنچه در حادثه حرّه اتفاق افتاد که تعداد کشته شدگان در این واقعه به ده هزار تن رسید که از میان آنان هشتاد تن از صحابه بودند و همه اصحاب بدر، پس از این مصیبت و محنت، مردند و هیچ اهل بدری نماند.^(۲)

چند نمونه برای تکمیل بحث

۱- مردی که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کتابت می کرد و پیامبر سوره بقره و آل عمران را قرائت می کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم «غفوراً رحیماً» می خواند ولی او «علیماً حکیماً» می نوشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: «چنین و چنان بنویس». او می گفت: «آن گونه که می خواهم، می نویسم!». و چون برایش «علیماً حکیماً» می خواند، او «سمیعاً بصیراً» می نوشت. (آن مرد) گفت: «من از شما بر محمد، آگاهترم». زمانی که آن مرد در گذشت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «زمین او را نمی پذیرد!». انس گوید: «ابو طلحه به من گفت: به زمینی که آن مرد در آن در گذشته بود،

۱ - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ۶ / ۴۵ - ۱۷.

۲ - المنتظم: ۶ / ۱۶؛ الامامه والسیاسة: ۱ / ۲۱۶ - ۲۱۵.

رفتم و او را بیرون زمین افکنده یافتیم. پرسیدم: این مرد را چه شده است؟ گفتند: چندین بار او را دفن کرده‌ایم، اما زمین او را نمی‌پذیرد.»
ابن کثیر می‌گوید:

«این روایت با معیارهای مسلم و بخاری، صحیح است، اما آنها این روایت را ذکر نکرده‌اند.»^(۱)

۲ - «ولید بن عقبه بن ابی معیط» کسی است که خداوند او را «فاسق» نامیده است؛ هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله او را برای دریافت صدقات بنی المصطلق فرستاد، پس از بازگشت، به رسول اکرم صلی الله علیه و آله خبر داد که آنان به جنگش درآمده‌اند (رسول خدا صلی الله علیه و آله) خواست لشکری به جنگ آنان بفرستد، اما خداوند در مورد او، این آیه را نازل کرد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ...﴾^(۲)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود، پشیمان شوید!»

و حال آن که ولید بن عقبه، از شمار صحابه بود و فاسق چه ارتباطی با عدالت دارد؟^(۳)

۱ - تاریخ ابن کثیر: ۱۷۰/۶.

۲ - حجرات (۴۹): ۶.

۳ - تفسیر ابن کثیر: ۲۱۲/۴.

۳- در مورد «جد بن قیس» از بنی سلمه، این آیه نازل شده

است:

﴿وَمَنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ أُنْذَنْ لِّي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾^(۱) (۲)

«بعضی از آنان می گویند: به ما اجازه ده (تا در جهاد شرکت نکنیم) و ما را به گناه نیفکن، آگاه باشید آنان (هم اکنون) در گناه سقوط کرده اند و جهنم، کافران را احاطه کرده است!».

۴- داستان «مسجد ضرار» از این موارد است؛ گروهی آن را ساختند

که نام صحابه بر آنان نهاده شده بود و در اوقاتی که دسترسی به پیامبر ﷺ نداشتند، در آن به ادای نماز می پرداختند، اما خداوند راز آنان را بر ملا کرد و کارشان را آشکار ساخت و روشن شد که آنان منافق بودند.

خداوند در مورد آنان می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضُرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أُرْدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾^(۳)

«(گروهی دیگر از آنان) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان) و (تقویت) کفر، و تفرقه افکنی میان مؤمنان و

۱- توبه (۹): ۴۹.

۲- سیره ابن هشام: ۳۳۲ / ۲.

۳- توبه (۹): ۱۰۷.

کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود؛ آنان سوگند یاد می کنند که: جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته ایم! اما خداوند گواهی می دهد که آنان دروغگو هستند!».

گفتنی است که آنان دوازده نفر از منافقان بودند به نامهای: خدام بن خالد بن عبید - که مسجد را در خانه خود ساخت - معتب بن قشیر و ابو حبیبة بن ابی الازعر و...^(۱)

۵. «ثعلبة بن حاطب بن عمر بن امیه» کسی است که در جنگهای بدر و احد شرکت نموده بود؛ ولی از پرداخت زکات مالش امتناع ورزید و خداوند در مورد او چنین نازل کرد:

﴿وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنِ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ
مِنَ الصَّالِحِينَ * فَلَمَّا آتَاهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ
مُعْرِضُونَ﴾^(۲) (۳).

«بعضی از آنان با خدا پیمان بسته بودند که: اگر خداوند ما را از فضل خود روزی دهد، قطعاً صدقه خواهیم داد و از صالحان (و شاکران) خواهیم بود! اما هنگامی که خدا از فضل خود به آنان بخشید، بخل ورزیدند و سرپیچی کردند و روی برتافتند!»

۱ - سیره ابن هشام: ۱ / ۳۴۱؛ تفسیر، ابن کثیر: ۲ / ۳۸۸.

۲ - توبه (۹): آیات ۷۶ - ۷۵.

۳ - استیعاب در حاشیه الاصابه: ۲۰۱/۱.

«ثعلبه» از صحابه‌ای بود که همواره ملتزم به ادای نماز در اوقات خود بود. او فقیر و ندار بود، بدین جهت به پیامبر خدا ﷺ گفت: «از خداوند بخواه که به من اموالی عطا فرماید.»

پیامبر ﷺ فرمود: «وای بر توای ثعلبه! اندکی که بر آن سپاسگزار باشی بهتر است از زیادی که توان شکر و سپاسش را نداشته باشی.»

ثعلبه گفت: «قسم به کسی که به حق، تو را به پیامبری برگزید! اگر از خدا بخواهی تا به من اموالی عطا فرماید، به هر مستحقّی، حقّش را خواهم داد.»

پس رسول خدا ﷺ فرمود: «خدایا! به ثعلبه مالی عطا فرما.» پس کالایش فزونی یافت و بر مالش افزوده شد، اما او از پرداخت زکات امتناع ورزید تا این که خداوند دل او را پر از نفاق گردانید تا روزی که به کیفر بخل و اعمال زشت خود برسد و همانا او از دروغگویان بود.

۶ - «ذو النديه» از شمار صحابه بود. او مردی پرهیزکار و عابد بود و عبادت و تلاش او آنان را به شگفتی وامی‌داشت. پیامبر ﷺ به کشتن او دستور داد و فرمود: «او مردی است که در چهره او نشانی از شیطان است» و ابو بکر را برای قتلش فرستاد. پس چون او را در نماز یافت، بازگشت! عمر را فرستاد، او نیز به قتلش نرسانید!

سپس حضرت علی علیه السلام را فرستاد، اما ایشان به او نرسید. ^(۱) بعدها او فرمانده خوارج گشت و امام علی علیه السلام در روز نهروان او را کشت.

۷ - گروهی دیگر هستند که به همنشینی و مصاحبت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شناخته می‌شدند. آنان در خانه «سویلیم» گرد می‌آمدند و مردم را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله باز می‌داشتند، پس آن حضرت به شخصی دستور داد که خانه سویلیم را بر سر آنان سوزاند! ^(۲)

۸ - «قرمان بن حرث» در جنگ احد شرکت کرد و همراه پیامبر صلی الله علیه و آله سخت جنگید. اصحاب آن حضرت گفتند: «فلانی، چه نیکو ما را بی نیاز کرد»، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اما او از اهل دوزخ است..!» آن هنگام که زخمی شد و بر زمین افتاد، به او گفته شد: «بهشت بر تو گوارا باد ای ابا الغیdaq!»

گفت: «بهشتی از بوته‌های اسپند! به خدا قسم! جز برای اصل و نسب (خود)، نجنگیدیم!» ^(۳)

۹ - حکم بن ابی العاص بن امیه بن عبد شمس (پدر مروان و عموی عثمان) رانده شده و نفرین شده رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. فاکهی، با سندی از زهری و عطاء، خراسانی گفته است:

۱ - الاصابه: ۴۲۹/۱.

۲ - سیره ابن هشام: ۳۳۲/۱.

۳ - الاصابه: ۲۳۵/۳.

«اصحاب محمد ﷺ بر آن حضرت وارد شدند در حالی که حکم را نفرین می کرد، پس گفتند: ای رسول خدا! او را چه شده؟ فرمود: از شکاف دیوار بر من وارد شد و من با فلان همسرم بودم!»
 پیامبر ﷺ بر حکم می گذشت و حکم به استهزا با انگشت خود به آن حضرت اشاره می کرد! پیامبر ﷺ او را دید و فرمود:
 «خدایا! او را وزغ کن، پس در جای خود خزید.»^(۱)
 در حدیثی آمده که عایشه به مروان بن حکم گفت:
 «گواهی می دهم که رسول خدا ﷺ پدرت را نفرین کرد در حالی که تو در صلب او بودی.»^(۲)

تمام موارد یاد شده و دیگر موارد، تأکید دارند که در میان صحابه پیامبر ﷺ کسانی بودند که مرتکب کارهایی شدند که نه خدا آنها را می پسندید و نه پیامبر و برخی از ایشان هم با قرآن و هم با سنت مخالفت کردند. پس قول به عدالت هر کس که رسول خدا ﷺ را دیده حتی اگر یک روز هم بوده باشد! امری هماهنگ با رسالت اسلامی نیست؛ رسالتی که تأکید می کند برخی از اصحاب و فرزندان و همسران پیامبران، ایمان نداشتند؛ بنابراین، «نظریه عدالت تمامی صحابه!» با تصریحات قرآن و سنت و تاریخ، هماهنگ نمی باشد.^(۳)

۱- الاصابة: ۱ / ۳۴۶.

۲- الامام الصادق والمذاهب الاربعه: ۵۹۷/۱.

۳- برای تفصیل ر.ک:

۱- التاريخ و الاسلام / عاملی.

۲- اضواء علی السنه المحمديه / محمود ابو ریه.

عوامل گسترش نظریه عدالت همه صحابه

امویان، در تحریف تاریخ و سنت شریف و خلط و تزویر، نقش بزرگی را بازی کرده‌اند. آنان بودند که بر «عقیده عدالت همه صحابه» تاکید نموده و به عدم انتقاد از آنان دعوت کردند تا راه نقد و ایراد از آنان در مورد کارهای ناپسندی که علیه اسلام انجام داده اند، بسته باشد و به هر کس از مسلمانان که از آنان خرده می‌گرفت، نام «کافر» یا «زندیق» اطلاق کرده و به کشتن او فتوا می‌دادند! آنان اگر می‌خواستند مخالفشان را به قتل برسانند، به او تهمت «دشنام به صحابه» می‌بستند و معنای «دشنام به صحابه» در واقع نقد و ایراد به آنان بود.^(۱)



- ۳ - النص والاجتهاد/ شرف الدین.
 - ۴ - احقاق الحق «ملحقات»، مرعشی نجفی.
 - ۵ - الفتنة الكبرى / طه حسین.
 - ۶ - اعجاز القرآن / رافعی.
 - ۷ - ابو هريره / ابو ربه.
 - ۸ - الاحادیث الموضوعه، حدیث اصحابی کالنجوم.
 - ۹ - انساب الأشراف، اسماء المنافقین / بلاذری.
 - ۱۰ - تأویل مختلف الحدیث / ابن قتیبہ.
 - ۱۱ - شرح المقاصد / تفتازانی.
 - ۱۲ - النصایح الکافیہ / ابن عقیل.
- ۱ - تاریخ بغداد: ۷ / ۱۴.

ساختار این نظریه در روزگار حکومت اموی تکمیل شد؛ زیرا دژی استوار برای حکومت آنان بود و همه اقدامات نامشروعشان را توجیه می‌نمود. بر همین اساس، معاویه زمانی که خود را جانشین رسول خدا ﷺ می‌شمرد، ناچار بود که یک دستاویز شرعی برای خود ایجاد کند تا کارهای ناشایستش را توجیه و تقویت نماید. بهترین دلیل و دستاویز برای او «عدالت همه صحابه» بود که او یکی از آنان به شمار می‌رفت. پس تا زمانی که آیات و روایات بر عدالت او اشاره می‌کند، هیچ چیز نمی‌تواند مانع شود که معاویه جانشین رسول خدا ﷺ و پیشوای مسلمانان باشد.

«نظریه عدالت همه صحابه!» تمام اقدامات امویان را از قبیل: مسموم کردن امام حسن علیّه و کشتن امام حسین علیّه و واقعه حرّه، کشتار بسیاری از مهاجران و انصار، حمله بسر بن اوطاه و آنچه با کودکان عبید الله بن عباس کرد، توجیه می‌نمود؛ زیرا اگر صحابی، کسی را ظالمانه به قتل برساند، به این معنا نیست که خطایی مرتکب شده است! زیرا او مطلقاً عادل است! و دیگران - حتی صحابه - حق ندارند بر او اعتراض کنند!!

نظر شیعه در معنای مصاحبت و صحابی

از مخالفان «نظریه عدالت تمامی صحابه»، پیروان اهل بیت علیهم السلام می‌باشند.

از همین رو، آنان را با صفت «زندیق» و «کافر» توصیف می کنند؛ زیرا که برخی از صحابه را سرزنش نموده و یا بعضی از آنان را به فسق و هرزگی توصیف کرده اند.

از «ابن زرعه» روایت شده که گفته است:

«اگر مردی را دیدی که یکی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله را سرزنش می کند، بدان که او کافر است، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله حق است و قرآن حق، و هرچه آورده نیز حق است. و به درستی که همه آنچه را که پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است، صحابه به ما رسانده اند و اینان (شیعه) می خواهند بر گواهان ما خرده بگیرند تا کتاب و سنت را باطل کنند. و در واقع، خرده گیری بر آنان، سزاوارتر است و خودشان زندیق اند!!»^(۱)

چه دور است این سخن از فرمایش امام علی علیه السلام که فرمود:

«حق و باطل به وسیله مردم شناخته نمی شود، حق را بشناس، اهل آن را خواهی شناخت و باطل را بشناس، انجام دهنده اش را خواهی شناخت.»^(۲)

۱- الاصابه: ۱۸ / ۱.

۲- تاریخ یعقوبی: ۲۱۰ / ۲؛ ر.ک: نهج البلاغه، قصار الحكم، ش ۲۶۲؛ بحار الانوار: ۱۰۵ / ۲۲ و ۲۲۸ / ۳۲.

از این جا روشن می شود که شیعه حق دارد تا در مورد کلمه حق تحقیق کند و آن را برگزیند و از آن، نزد هر کدام از اصحاب باشد، پیروی کند.

اما تهمت شتم و دشنام دادن به همه صحابه که از جانب دشمنان شیعه به آنان نسبت داده می شود، هیچ گونه صحتی ندارد.

به درستی که شیعه، با یک چشم به همه مسلمانان می نگرد و میان صحابی، تابعی و متأخر، تفاوتی نمی گذارد. در واقع همنشینی و مصاحبت (با پیامبر)، چیزی نیست که خطا کار از اشتباهاتش به آن پناه ببرد.

بر اساس این راه و روش که عقل به آن حکم می کند، شیعه نقد صحابه و بحث در مورد عدالت آنان را با بی طرفی کامل، جایز می شمرد تا بدانند چه کسی به همنشینی با پیامبر ﷺ وفا دار بوده و چه کسی به جاهلیت برگشته است و خدا نیز اراده فرموده که بهتر از او را به جای او برگزیند.

تمام این اعمال، به خاطر آن است تا صحابی راستین از صحابی دروغین، شناخته و روایت او برگزیده و از روایت صحابی دروغین، دروی شود.

چکیده بحث

مکتب اهل بیت علیهم السلام معتقد است که حال صحابه از لحاظ عدالت، همانند حال دیگران است و در میان آنان، عادل و غیر عادل می‌باشد و این گونه نیست که هر کس همنشین رسول خدا صلی الله علیه و آله شد، عادل است. همنشینی، هیچ نقشی در عدالت صحابه ندارد، مگر آن که سیرت و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله در رفتار و موضعگیریهای او مجسم گردد.

پس ملاک عدالت صحابه، سیره عملی آنان است و کردار هر کس، مطابق راه و روش اسلامی باشد، «عادل» و هر کس مخالف راه و روش اسلامی باشد، غیر «عادل» است و این اندیشه با قرآن کریم و سنت شریف پیامبر صلی الله علیه و آله مطابقت دارد.

قرآن، اشاره کرده که از صحابه کسانی‌اند که مؤمن واقعی هستند و آنان را ستوده است و در میان آنان منافقانی هستند که خداوند از آنان به عنوان «دروغگو» یاد کرده است. و نیز در میان آنان کسانی هستند که قصد ترور رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب عقبه را داشتند، این.

همان نظر شیعه امامیه درباره صحابه است؛ نظری میانه و متوسط که نه تفریط غلات در آن است و نه افراط جمهور داشتند.^(۱)